

نگرشی بر جامعه مدنی در ایران

ابراهیم انصاری

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

از مفهوم جامعه مدنی که ترجمه تحت الفظی *Burgerliche Gesell Schaft* آلمانی، *Societe Civile* فرانسوی و *Civil society* انگلیسی است معانی و تعابیر بسیار متعددی شده است. از میان تعاریفی که از آن شده است می توان آنها را به چهار نوع دسته بندی کرد:

تعریف اول در معنای عام و کلی که به مدنیت و تمدن بر می گردد. صفت *Burg* و *Burgerliche* به معنای شهر مشتق شده است و *Civil* نیز که از واژه *Citet* لاتین در زبانهای فرانسه و انگلیسی اشتقاق یافته و در عربی هم به مدنی برگردانده شده است.

در تعریف دوم از معنای فلسفی است که از افلاطون و ارسطو شروع می گردد که شامل شهروندان «جمهور» و «سیاست» تا به رنسانس است و بعد از رنسانس جامعه مدنی نوعی جامعه ای است مبتنی بر تعقل، شورا، توافق، تساهل، تسامح، احترام به انسانیت و حاکمیت قانون.

در تعریف سوم که تعریفی حقوقی است مهمترین خصلت جامعه مدنی «نهادینه شدن» قانون در جامعه است، حکومت قانون بر روابط بین افراد در جامعه و بین مردم و دولت است.

در آخرین تعریف که در واقع تعریف جامعه شناختی است و در این مقاله بیشتر بر آن تأکید شده است، حوزه ای از زندگی اجتماعی - سیاسی را در بر گرفته است که در آن آرمانها و جنبشهای دموکراتیک در تعارض با دولت‌های سلطه گر یا روبرویی با رژیمهایی آزادی ستیز شکل می گیرند.

در این مقاله بر اساس روش تاریخی به صورت مقطعی و گذرا به سابقه جامعه مدنی در ایران در گذشته و حال اشاراتی شده است.

واژه‌های کلیدی

- ۱- قانونمند، ۲- انجمنهای صنفی، ۳- اراده عمومی مدارای اجتماعی، ۴- مشارکت، ۵- تسامح و تساهل، ۶- شهروندی، ۷- جامعه مدنی
- ۱- به معنای این است که همه مراجع قدرت، قدرت خود را از قانون می‌گیرند و خاضع و تابع قانون‌اند. حکومت قانون بر روابط بین افراد در جامعه و بین مردم و دولت.
- ۲- انجمن‌های صنفی از سازمان یافته‌ترین و مشخص‌ترین اجتماعات در بازار بوده است. هر صنف راسته بازار خاص خود را داشته است نوعی تحدید حدود صنفی، نوعی تعاون و همکاری صنفی که از طرفی جواب‌گویی خسارت اعضاء و از طرف دیگر حافظ اعضاء در مواقع ناامنی بوده‌اند.
- ۳- از لحاظ اجتماعی به تحمل آراء متنوع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سایر اعضای جامعه اطلاق می‌گردد تا به واسطه اشاعه این نگرش دریافت بی‌غرضانه مسایل و امکان پذیرش عقاید جدید فراهم آید.
- ۴- تقبیل آگاهانه انجام بخشی از امور که در شکل معاضدت اجتماعی و همکاری یکدیگر و از سر میل و رغبت و به قصد بهبود زندگی اجتماعی، سازماندهی مناسب خود را دارا می‌باشد.
- ۵- تسامح و تساهل به معنای اجتناب از تحمیل خواست یکی بر دیگری است. هم یک آرمان اخلاقی و هم یک اصل اجتماعی است؛ از طرفی بیانگر مجموعه قواعدی است که چگونگی تأثیر انسانها بر یکدیگر را نشان می‌دهد.
- ۶- مجموعه‌ای از حقوق (و وظیفه) است که نمایانگر عضویت سیاسی - اجتماعی است. به عنوان مجموعه حق و تعهدهایی به حساب می‌آید که شامل افراد به عنوان اعضای شایسته رشد در اجتماع سیاسی - اجتماعی است.
- ۷- جامعه مدنی به عنوان حوزه عمومی جامعه و حائل میان فرد و دولت به ایفای نقش می‌پردازد و به طور کلی کلیه شهروندان را در بر می‌گیرد که حوزه عمومی جامعه برای بیان منافع، تمایلات، عقاید، تبادل اطلاعات، تحقیق اهداف خود و نظارت بر مسئولان دولتی در قالب تشکلهای و نهادهای مدنی فعالیت می‌کنند.

مقدمه

از نظر جامعه شناسی پیدایش جوامع و پدیده‌های اجتماعی در طول تاریخ کاملاً تصادفی و ارادی نبوده است، بلکه تحت شرایط عینی و ذهنی لازم بوده است. بعبارت دیگر نوعی قانونمندی بر تاریخ بشر و یک جامعه حاکم است. بنظر شهید علامه مطهری « امر بین الامرین » است، که نه جنبر

اجتماعی محض و نه اصالت فردی محض است. در واقع فرد و جامعه هر دو دارای اصالت و شخصیت است. بنابراین شکل‌گیری جامعه مدنی بعنوان یک پدیده اجتماعی تابع شرایط عینی و ذهنی خاصی است. جامعه مدنی نمونه‌ای برآمده از دستاوردهای مدنی بشریت مبتنی بر آگاهی و اراده تاریخی انسانها، برای اعاده حقوق پایمال شده است، که تجربه‌ای متناسب با شرایط زیستی شهرنشینی و الزامات موجود در عصر آگاهی، تکنولوژی و پیشرفت را به همراه دارد.

تغییراتی که در بیست سال پس از انقلاب در ساختار اجتماعی ایران پدید آمده نیاز به جامعه مدنی و زمینه‌های رشد آن را به وجود آورده است. هم اکنون درباره جامعه مدنی در ایران سخنان فراوانی گفته شده است و صاحب‌نظران مختلف امروزه می‌کوشند جنبه‌های مختلف آن را بکاوند و تعریف مدون و مشخصی برای آن بیابند. در وهله نخست باید میان جامعه مدنی و مدنیت و تمدن فرق قایل شد. مدنیت مدتها پیش از پیدایش جوامع مدنی و بورژوازی غربی وجود داشته است. تمدنهای کهن شرقی و شهرنشینی هیچ یک به معنای وجود جامعه مدنی نیست. جامعه مدنی چارچوبی از زندگی با مشخصات خاص است، نوعی بستر اجتماعی است که مبتنی بر ضوابط و ارزش‌هایی است که در مرحله معینی از تحول تاریخی جوامع پدید می‌آید. از نظر جامعه مدنی بعنوان یک روش در حوزه‌های فرهنگ، اجتماع و سیاست جامعه امروز مطرح است. آراتو (Arato) و کوهن (Cohen) از جامعه‌شناسان آمریکا در کتاب «جامعه مدنی و نظریه سیاسی» که در سال ۱۹۹۲ تألیف کرده‌اند، جامعه مدنی را به معنای امروزی آن در غرب که در بردارنده ابعاد متمایزی است، عنوان کرده‌اند:

- ۱- وجود خانواده‌ها، گروههای غیر رسمی و مجمع‌های انجمن‌های داوطلبانه که چندگانگی خودسامانی آنها شکل‌های گوناگونی از زندگی را ممکن می‌کند.

- ۲- وجود نهاد‌های فرهنگی و ارتباطی که حوزه عمومی یا آشکار زندگی را در بر می‌گیرند.

- ۳- امنیت و حرمت حوزه خصوصی زندگی و قلمرویی که افراد بتوانند در آن توانایی‌های خود را محقق گردانند و به گزینش‌های اخلاقی مستقل دست یابند.

- ۴- تعیین حد فاصل میان وجوه یاد شده و فراهم کردن امکان اینکه مثلاً حوزه‌های عمومی و خصوصی زندگی از یکدیگر و از دولت تمایز بمانند. و برای این تمایز وجود ساختارهای قانونی لازم است که بدون آنها جامعه مدنی استقرار نخواهد یافت. [۱]

در این مقاله پس از مرور تعریف جامعه مدنی، جامعه مدنی بصورت سنتی در گذشته ایران و سپس زمینه‌های اولیه مساعد برای تشکیل جامعه مدنی ایران امروز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«جامعه مدنی» مفهوم جدیدی نیست. گرچه در ایران، شاید کمتر از ده سال است که مطرح شده است و عمدتاً از خرداد ۱۳۷۶ به موضوعی اجتماعی تبدیلی شده است.

در بررسی ادبیات آن نخستین بار مفهوم جامعه مدنی در ادبیات سیاسی روم به چشم می‌خورد. سیسرون در کتاب «جمهوری» می‌نویسد، «قانون، پیوند جامعه مدنی است. منظور او از جامعه مدنی، جمعیتی است که به شکل سیاسی و حقوقی نظام یافته است.» [۲]

جامعه مدنی در اندیشه سیاسی افلاطون، ارسطو و مسیحیت قرون وسطی به عنوان موضوعی مورد بحث قرار گرفته است. اما نه به عنوان حوزه مستقل از حوزه عمومی و دولت.

«ارسطو جامعه مدنی را ادامه طبیعی خانواده می‌دانست که در آن فرد و خانواده و سایر نهادهای مدنی منبعث از دولت بودن او جامعه مدنی را جزئی از دولت - شهر و سیاست را یکسان با شهر می‌پنداشت. چرا که دولت شهر یونانی همه ابعاد زندگی شهروندان را در بر می‌گرفت. دین، سیاست و قلمرو شخصی از یکدیگر تفکیک ناپذیر بودند. خیر فرد و خیر جامعه جدایی ناپذیر می‌شود و حوزه‌های اخلاق و سیاست یک بود و زندگی اجتماعی در جامعه سیاسی به سوی غایت کسب فضیلت و سعادت گام بر می‌داشت.» [۳]

هابز با توصیف «وضع طبیعی» قبل از تکوین دولت، حوزه‌ای غیر دولتی را ترسیم کرد که در آن انسان از آزادی برخوردار بوده است. آزاد در «وضعیت طبیعی» غیر دولتی و شخصی بود اما این آزادی خطر خشونت را افزایش می‌داد و زندگی اجتماعی را تهدید می‌کرد و انسان گرگ انسان شد. مردم برای فرار از این وضع خطرناک با یکدیگر وارد قراردادی شدند که از طریق آن آزادیهای فردی را به یک طرف ثالث یعنی دولت واگذار کنند. بعد از آن دولت دست به کار تضمین نظم و ثبات اجتماعی شد. [۳ ص ۱۶۳-۱۶۰]

بعد از از هابز، لاک و روسو با طرح دقیق‌تر قرارداد اجتماعی به تبیین حوزه عمومی و خصوصی پرداختند. اندیشه جامعه مدنی در قرن هجدهم به کمال رسید.

هگل جامعه مدنی را به عنوان یک نهاد واسطه بین خانواده و روابط سیاسی دولت در نظر گرفت. به نظر او جامعه مدنی دستاورد جهان مدرن است که در آن دولت بنیاد ارگانیک جامعه مدنی است. [۲ ص ۱۴۰]

بعنوان نتیجه‌گیری از مقدمه به تعریف جامعه‌شناسانه‌ای که در کتاب جامعه مدنی آمده است می‌پردازیم:

«جامعه مدنی جامعه‌ای متشکل از گروه‌های آزادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که با هدف پیشبرد منافع، علائق و سلیقه‌های افراد عضو تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها می‌توانند صنف، اتحادیه، باشگاه، انجمن، سازمانهای غیر دولتی یا غیر حکومتی، حزب، سندیکا و مؤسسات رسانه‌ای از قبیل ناشران، مطبوعات، رادیوها و تلویزیونهای مستقل را پیدا کنند. مجموعه این گروه‌ها بر اساس قواعد و

مقررات مشخص شفاف و روشن در شبکه‌ای از روابط مبتنی بر روح مسالمت‌آمیز جویی، اخلاق مدنی، مدارا و تساهل، همزیستی و همکاری با یکدیگر به حیات خویش ادامه می‌دهند. تفاوت اعضای این تشکلهای با دیگر افراد آن است که هویت سازمانی مشخص پیدا کرده‌اند و این هویت همچون حافظ و نگهدارنده‌ای برای آنها عمل می‌کند.» [۴]

روش تحقیق

روش این مطالعه بر اساس روش تاریخی یا پژوهش تاریخی است که مبتنی بر تحلیل حوادث، توسعه و گسترش تجارب گذشته، سنجش دقیق اعتبار مدارک و سایر منابع اطلاعاتی، و توصیف و تشریح مدارک تاریخ اجتماعی ایران که همانند سایر روشها به جمع آوری اطلاعات و ارزشیابی و توصیف آنها پرداخته شده است.

تحلیلی بر موضوع بحث

الف - جامعه مدنی بصورت سنتی در گذشته ایران

با توجه به تعریفی که از جامعه مدنی ارائه گردید، در تطبیق این مفهوم با ساخت اجتماعی ایران در گذشته، می‌توان اظهار داشت که جامعه ایران از گذشته‌های دور و نه فقط در دوره مشروطیت، در تلاش برای تفسیر از یک جامعه استبدادی به یک جامعه قانونمند و قانونگرا بوده است. از دیدگاه تعریف حقوقی جامعه مدنی، تأسیس نظام طبقاتی در عصر جمشید به گزارش فردوسی، یا نظام حقوقی ساسانی / زرتشتی در ایران قبل از اسلام و سرانجام تأسیس مدینه النبی به دست پیامبر (ص) اسلام، اعلام حاکمیت قانون اسلام و لغو امتیازات و اختلافات عصر جاهلیت، قبول اصول عدالت و تساوی اسلامی و ایجاد عقد اخوت بین مهاجران و انصار، معادل ایجاد یک جامعه قانونمدار بود. [۵]

در ساختار جامعه ایران در گذشته می‌توان از انجمن‌های صنفی، جنبش‌ها، گروه‌ها، کانونهای ادبی، هنری، علمی، دینی، همیارها و تعاونیهای مردمی نام برد که مستقل از حکومت خصوصاً در همه ادوار اسلامی با شدت و ضعف وجود داشته است که به بعضی از آنها اشاره مختصری می‌شود:

۱- گروههای فتوت و اخوت

یک تشکل داوطلبانه اجتماعی و تا حدی فراگیر و همگانی در گذشته‌های دور تاریخ ایران است، گروهی که به بخشندگی، شجاعت، پایبندی به گفتار و دفاع از مظلومان در برابر ظالمان، یاد

شده است. کتاب فتوت نامه سلطانی نوشته حسین واعظ کاشفی درباره آداب و احوال همین عیاران و جوانمردان است.

«فتوت در عرف عام عبارت است از اتصاف شخصی به صفت حمیده و اخلاق پسندیده، بر وجهی که از ابناء جنس خویش ممتاز گردد، و به تعریف خواص عبارت است از ظهور نور فطرت انسانی و استیلای آن بر ظلمت صفات نفسانی تا فضایل، اخلاق باسرها ملکه گردد و رذایل به کلی شفا پذیرد...» [۶]

۲- روحانیت

بطور کلی روحانیت شیعه که حکومت را غصب شده می دانسته است در طول تاریخ ایران با توجه به اینکه دارای سلیقه های متفاوت و جناحهای مختلف خصوصاً در زمان صفویه به بعد که به دو گروه روحانیت درباری و رسمی و غیر درباری تقسیم می شود، نوعی در مقابله با دولتها بوده است. خصوصاً در دوره قاجاریه، نهضت تنباکو، مشروطیت و بعد در دوره پهلوی بعنوان یک نهاد مدنی در برابر حکومت قرار گرفتند.

۳- انجمن های صنفی (اصناف)

از ویژگی اساسی شهرهای ایران و دیگر کشورهای اسلامی حضور گروه بزرگی از کسبه و پیشه وران شهری است که به انواع گوناگون حرفه های متداول در جامعه سنتی اشتغال داشته اند. «کسبه و پیشه ورانی که در حرف معینی کار می کردند. غالباً راسته ای در بازار را در اختیار می گرفتند. هویت مشترک پیدا می کردند و روابط گوناگون اجتماعی و دینی و اقتصادی میان آنان برقرار می شد دستگاه حکومت با این کسبه و پیشه وران به طور دسته جمعی روبرو می شد تا کار مالیات و بیگاری از آنان به راحتی انجام پذیرد.» [۷]

ناصر خسرو و ابن بطوطه هر دو درباره اهمیت بازار و نقش اصناف در آن مطالب زیادی نوشته اند. ابن بطوطه در قرن هشتم هجری درباره بازار اصفهان و اهمیت شهرنشینی و رونق تجارت می نویسد « هر دسته از پیشه وران اصفهان رئیس و پیشکسوتی برای خود انتخاب می کند که او را کلو^(۱) می نامند.» [۸]

برخی از صاحب‌نظران تاریخ اجتماعی ایران و خاورمیانه در آثار خود از هزاران حرف و پیشه‌های متعددی که حتی شامل صنف رقاصه‌ها و گدایان هم می‌شد نام برده‌اند و تا حدی آنها را برابر با انجمن‌های صنفی اروپا (Guilds) دانسته‌اند.

گرچه عمدتاً این انجمن‌ها فاقد استقلال و زیر سلطه دولتها بوده‌اند ولی تا اندازه‌ای از منافع اعضای خود در برابر منافع دیگران دفاع می‌کرده‌اند.

«اصناف در انقلاب مشروطه، نهضت ملی کردن صنعت نفت و در انقلاب اسلامی نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند. در هر سه جنبش اجتماعی رابطه تنگاتنگ بازار و مسجد نیروی محرکه کسبه و پیشه‌وران شهری در مشارکت سیاسی بوده است.» [۹]

۴- همیارهای مردمی، تعاونیهای سنتی

ساخت جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران در طول قرن‌ها منجر به پیدایش نهادهای مشارکتی شده که بر پایه همکاری و یاریگری شکل گرفته است. گرچه تغییراتی که از دوره پهلوی اول تحت تأثیر روند به اصطلاح «نوسازی» صورت گرفته بسیاری از نهادهای مشارکتی را سرکوب و یا استحاله شده و بصورت نمایشی و به دور از محتوی پیشین خود باقی ماندند. اما سنت‌های این نوع مشارکتها از لحاظ فرهنگی هنوز به قوت خود باقی است، که می‌تواند از طریق شناخت و بازنگری آنها در جهت مشارکت بیشتر، تصمیم‌گیری و اجرایی نیز سود جست.

۵- تشکل‌های فرهنگی - سیاسی

نمونه‌های تاریخی دیگری از نهادهای مدنی سنتی در جامعه گذشته ما وجود تشکل‌های مختلفی چون خانقاهها، سازمانهای طریقتی، نهضت ادبی شعوبیه، نهضت فلسفی - علمی اخوان الصفا، نهضت بازگشت ادبی پس از صفویه، نهضت مذهبی حروفیان و نقطویان، هیاتهای مذهبی، سازمانهای خیریه و امداد است.

ب - جامعه مدنی معاصر در ایران

در واقع از مشروطیت به بعد است که آرمان جامعه قانونی مطرح می‌شود. تفکیک قوا، حاکمیت ملی و توزیع قدرت در چهارچوب مجلس، احزاب و شوراها از مصادیق آن است. «از هنگام انقلاب مشروطه تا کنون محتوای جامعه مدنی در شعارها و ادبیات سیاسی ایران به اشکال گوناگون وجود داشته است. اصولاً نقش مشروطه خواهی را می‌توان اولین قدم در راه طولانی

تحقق جامعه مدنی در ایران دانست که با انقلاب اسلامی وارد مدار عالیتر جمهوری خواهی شده است. [۱۰]

بطور مشخص اولین تجربه جامعه مدنی معاصر به فعالیتها، جنبشها و اقداماتی است که به انقلاب مشروطه ختم می شود و پس از آن هم در قالب گروهها و اتحادیه های صنفی، انجمنها، احزاب و فراکسیون های سیاسی ظاهر می شوند که در دوران پهلوی سرکوب و یا به گروههای فشاری برای اعمال نظارت سیاسی تبدیل می شود.

در دوره پهلوی تشکل های جامعه مدنی اعم از احزاب سیاسی، تشکل های صنفی، کانونهای فرهنگی و شوراهای قانونی به علت عدم ظرفیت حاکمیت در پذیرش موجودیت آزاد و مستقل آنها و در نتیجه برقراری جو رعب و وحشت به نابودی کشیده می شود. گرچه تبلیغات و نمایش های دولت برای نشان دادن چهره دموکراتیک و ایجاد احزاب دست نشانده به اوج خود می رسد ولی با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، مبارزات مسالمت آمیز قانونی با شکست روبرو می شود.

بعد از انقلاب اسلامی تحولات عمیقی از نظر ساختاری به وجود آمده است، در رشد جمعیت، در اقتصاد، ساختار دولت و نهادهای اجتماعی و جزء آنها که بر اثر آنها این جامعه با پیچیدگی روبرو شده است که برای اداره آن هم لازم است از شیوه پیچیده قانونی و نه سنتی استفاده شود.

مشخصاً از سال ۱۳۶۸ پایان جنگ ایران و عراق نوعی از جامعه مدنی در شرف شکل گیری و شکوفایی بوده است. عوامل مربوطه به توسعه اقتصادی - اجتماعی این سالها (سالهای سازندگی)، در واقع زمینه های ظهور نهادها و تشکلات جامعه مدنی است.

جامعه مدنی در درون جامعه بزرگ ایران امروز، جامعه ای است قانونمدار، مبتنی بر حاکمیت ملی، توزیع کننده قدرت در چهار چوب جمهوریت، مجلس خبرگان، شورای نگهبان مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، شوراهای انجمنها، تشکل ها، گروهها، تعاونیهای مختلف تولید و مصرف، سازمانهای مذهبی، اتحادیه های حرفه ای، تشکل زنان، مطبوعات، گسترش دانشگاههای دولتی، غیر انتفاعی و آزاد اسلامی و غیره.

بطور خلاصه زمینه های اولیه مساعد برای تشکیل جامعه مدنی ایران امروز را می توان بشرح زیر

دانست:

۱- پذیرش مشارکت همگانی در اداره امور مملکت در عین پابندی به قانون اساسی با تکیه بر آرای متعل و اندیشه مردم، بدین معنا که در این جامعه رأی افراد در سرنوشت مملکت و قوای مختلف آن تأثیر گذار است.

۲- قانونگرایی و تساوی در قبال قانون، مشخص شدن حدود وظایف و مسئولیتهای افراد و گروهها در جامعه، شکل قانونی پیدا کردن تکالیف. قانون گذاری در مورد بنیادهای زندگی در عرصه های مختلف. مطرح شدن فرهنگ تساهل، مدارا، پذیرفتن حقوق مختلف مردم با عقیده ها و سلیقه ها و شیوه های پندار و کردار متفاوت و احترام گذاشتن به اینها.

۳- مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، امروز رشد کمی و کیفی مطبوعات و شبکه های مختلف ارتباط جمعی اعم از سمعی و بصری به نوعی موجب رشد و گسترش افکار عمومی، گسترش افکار عمومی، گسترش خردمندی و توسعه فرهنگ تساهل و مدارای اجتماعی شده و بیشتر خواهد شد. از طریق مطبوعات و ارتباط جمعی سطح فرهنگ و آموزش بالا می رود و مردم شناخت بیشتری نسبت به حقوق و تکالیف خود در جامعه پیدا می کنند. وظیفه مطبوعات گزارش کاستی ها و منجش انتقادی دستاوردها و همچنین جستجوی عدالت و حقیقت است. مطبوعات در ایجاد مشارکت و در تصمیم گیری و کاربرد زبان مفاهمه و گفتگو می تواند مؤثر واقع شود. فرهنگ قانونگرایی و قانون پذیری و احترام به قانون را باید مطبوعات در رسانه های جمعی بین توده های مردم گسترش دهند. قابل ذکر است که امروز در جامعه ما موانعی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هم بر سر استقرار جامعه مدنی وجود دارد که از موضوع این مقاله خارج است.

نتیجه گیری

در این مقاله کوتاه هدف نگارنده این بوده که لازم است محققان زمینه ها و بسترهای مناسب را که در گذشته و امروز ایران درباره جامعه مدنی وجود دارد مورد بررسی قرار داده و تنها خود را به تعریف ها و مصادیقی که در جوامع غربی وجود دارند محدود نگردانند.

این بحث حکایت از تحولات اجتماعی در ایران دارد و از موضوع های مهم و جدی جامعه ایران است. از طرف دیگر صورتهای گوناگونی از نهاد مدنی از دیرباز تاکنون در فرهنگ ایرانی اسلامی وجود داشته است. اشکال مختلفی از نهادهای همیاری و مشارکت جدا از دولت در جامعه روستایی و شهری ایران وجود داشته، که تشکلهای مختلف از وجود نوعی نهادهای مدنی در ایران دارد که می تواند بستر رشد جامعه مدنی در ایران امروز شود.

«برای کشف قانونمندی های جامعه مدنی در ایران و پی ریزی بنایی مستحکم برای آن نمی توانیم به غرب نگاه کنیم؛ باید تاریخ سرزمین خود را بکاویم، امری که از آن غفلت کرده ایم. حتی برای رسیدن به علوم اجتماعی زاستین باید مفاهیم، نظریه ها، روش ها و فنون جهان شمول را با شرایط خاص امروز و تاریخ مان محک بزینم و به پالایش آنها در پرتو شرایط خاص بپردازیم.» [۱ ص ۲۲۸]

منابع

- ۱- جمعی از نویسندگان، جامعه مدنی و ایران امروز، انتشارات نقش نگار، تهران، سال ۱۳۷۷، ص ۵۷
- ۲- ورودی نژاد، فریدون، جامعه مدنی، کدام نگاه؟، مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی، انتشارات سازمان مرکز فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، سال ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.
- ۳- وینست، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشریه، انتشارات نی، سال ۱۳۷۱، ص ۱۳-۱۲.
- ۴- محمدی، مجید، جامعه مدنی، نشر قطره، تهران، سال ۱۳۷۶، ص ۱.
- ۵- امین، سید حسن، جایگاه جامعه مدنی در قانون اساسی، مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی اسناد انقلاب اسلامی، تهران، سال ۱۳۷۶، ص ۴۵۵.
- ۶- کاشفی، فتوت نامه سلطانی، محمد جعفر محبوب، تهران بنیاد فرهنگ، تهران، سال ۱۳۵۰، ص ۹.
- ۷- اشرف، احمد. ویژگی های تاریخی شهر نشینی در ایران دوره اسلامی، مجله علوم اجتماعی، شماره ۴، تهران، سال ۱۳۵۳، ص ۵۶.
- ۸- ابن بطوطه، سفرنامه ترجمه محمدعلی موحد، بنگاه نشر و ترجمه، تهران، سال ۱۳۳۷، ص ۲۱۲.
- ۹- اشرف، احمد، نظام صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران، مجله گفتگو شماره ۱۴، تهران، سال ۱۳۷۵، ص ۲۷.
- ۱۰- نوحی، حمید، جامعه مدنی هم راهبردی، هم روشن، مجله ایران فردا شماره ۳۹، تهران، سال ۱۳۷۶، ص ۲۲.

منابع برای مطالعه بیشتر

- 1- Arato /A. and Cohen, J.L. 1992. Civil Society and political Theory, Cambridge MA and London, MIT press.
- ۲- برزگر، علی، خواهندگان جامعه مدنی کیانند؟ نشر مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۶-۱۳۵، تهران، سال ۱۳۷۷
- ۳- جمعی از نویسندگان، جامعه مدنی و جوانان، نشر قطره، تهران، سال ۱۳۷۷.
- ۴- غنی نژاد، موسوی، جامعه مدنی - آزادی - اقتصاد و سیاست، نشر طرح نو، تهران، سال ۱۳۷۷.
- ۵- سعید زاده، محسن، زنان در جامعه مدنی، نشر قطره، تهران، سال ۱۳۷۷.